

بررسی و رتبه بندی علوم و معارف در قرآن کریم

مهدی اسماعیلی صدرآبادی: دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خایری میبیدیزد
نجمه کاظمی: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم
سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۵-۱۱۵
تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۱۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۲۶

چکیده

هم‌زمان با نزول قرآن کریم، بنیان‌های اولیه مباحث علوم قرآن استوار شد. لذا این دانش به فاصله اندکی پس از نزول قرآن پدید آمد و با شماری از صحابه و تابعان به بالندگی رسید از این رو آنچه امروز به‌جا مانده سرمایه گران‌سنگ در ادوار و عرصه‌های گوناگون محققان صدر اسلام است. بر این اساس، باز کاوی چگونگی این تعاریف نزد دانشمندان دارای اهمیت زیادی بوده است؛ چنان‌که اندیشمندان در قرون گذشته بر اساس معیارهای خویش، تقسیم بندی خاصی از آن داشتند. بر این اساس پژوهش تحلیلی-توصیفی حاضر در صدد است با توجه به دو معیار علوم درونی و بیرونی قرآنی به تبیین و رده بندی این موضوع مهم بپردازد. نتایج این نوشتار حاکی از اختصاص علوم فی القرآن به علوم درونی و علوم للقرآن به علوم بیرونی است که مقدمه شناخت و وصول به محتوای قرآن کریم است. لذا در سراسر این رده بندی قرآن کریم موضوعیت تام دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علوم، علوم قرآن، معارف، معارف قرآنی

۱. نویسنده مسئول: r.kazemi502@gmail.com



۱- مقدمه

در حوزه علوم، مطالعات و تحقیقات دانشمندان اسلامی از جمله علمای امامیه، در طول بیش از هزار سال گذشته مجموعه‌های از مباحث مرتبط با قرآن که هر یک وجهی از وجوه مطالعات قرآنی را تبیین می‌کند و یا به پرسشی از پرسشها درباره قرآن می‌پردازد با عنوان کلی علوم قرآن شکل گرفته است. ضرورت پرداختن به علوم قرآن از این جهت است که تا قرآن شناخته نشود پرداختن به محتوای آن معنا نخواهد داشت چرا که دستاوردهای هر یک از مباحث علوم قرآن نقش مهمی را در بهره‌گیری از محتوای قرآن ایفا می‌کند (فتح الهی، ۱۳۸۸، ص. ۳۸). بر این اساس قرآن کریم به عنوان محور اساسی فرهنگ و تمدن اسلامی به همراه سنت، هسته اصلی دین اسلام و علوم و معارف آن را تشکیل می‌دهند. (خرقانی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۰). لذا دانش علوم قرآنی نیز از علوم مهم برای شناخت کتاب الهی است که خود دارای رده بندی‌های گوناگون است که هر یک نیز در بردارنده بخش مستقلی از علوم ناظر به شئون مختلف قرآن کریم است.

علوم قرآن به معنای عام کلمه از زمان نزول قرآن آغاز شده است، در میان شخصیت‌های که علوم قرآن را در این دوره انتقال داده‌اند می‌توان به برخی از صحابه اشاره کرد که در راس همه آنها امام علی (ع) قرار داشته است. پس از صحابه، عصر تابعین فرا می‌رسد، در این عصر علوم قرآن به طور مشافهه و نقل انجام گرفته است. زرقانی معتقد است: پس از انقضا عهد خلافت و در زمان بنی امیه، همت مشاهیر صحابه و تابعین، به صورت روایت و تلقین، نه به صورت کتابت و تدوین، متوجه نشر علوم قرآن شده است (زرقانی، ۱۴۰۹ق، ص. ۳۰). در این دوره علوم قرآن همانند بسیاری از دانش‌های اسلامی از قبیل تاریخ، سیره، کلام و... نخست در دامن علم حدیث شکل گرفته است؛ لذا نخستین بستر علوم قرآن را باید در روایات جست، به عبارت دیگر، می‌توان گفت خاستگاه اولیه علوم قرآن، حدیث است. (نصیری، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۶).

براین اساس پژوهش کتابخانه‌ای حاضر در صدد بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم است برای رسیدن به این منظور در بخش اول این نوشتار به مفهوم شناسی و بررسی آراء نظرات دانشمندان پیرامون دانش علوم قرآنی پرداخته شد و در بخش دوم، علوم و معارف در قرآن کریم بررسی و رتبه‌بندی شدند.

۲- مفهوم شناسی دانش علوم قرآنی

معارف قرآنی عنوان مباحثی است که کاملاً با مطالب درونی قرآن و محتوای آن ارتباط دارد و یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می‌رود. در این راستا به صورت کلی، علوم قرآن در بردارنده مجموعه‌ای از مباحث است که موضوع و محور آنها قرآن کریم بوده و ابعاد گوناگون آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد؛ بر این اساس در تعریف ابتدایی تمامی علوم دینی و عربی را که به گونه‌ای با قرآن ارتباط دارند، شامل می‌شود. پیرامون تعریف این علم نزد دانشمندان این مهم نظرهای گوناگون با معیارهای گوناگونی وجود داشته است که در ادامه به آنها اشاره خواهیم داشت.

علوم قرآن به عنوان یک رشته علمی قبلاً به صورت مستقل وجود نداشته بلکه تنها در بحث‌های قرآنی به صورت عمومی مطرح شده‌اند. شاید بتوان دلیل اصلی این موضوع را این دانست که پیشینیان کاری به این امر نداشته‌اند که از آن یک رشته مطالعاتی مستقل بسازند صبحی صالح نیز معتقد است که در عصر تدوین علوم، تفسیر بیش از دیگر علوم قرآن مورد توجه قرار گرفت چرا که تفسیر، مادر علوم قرآن است (صبحی صالح، ۱۹۷۷، ص. ۱۸۰) لذا در اصل پیدایش و نام‌گذاری این علم سخن بسیار رفته است، برخی معتقدند که در ابتدا این اصطلاح (علوم قرآن) در قرن پنجم و ششم پدید آمد (دزفولی، ۱۳۷۰، ص. ۲۸). زرقانی از محققان مطرح در این حوزه نیز آغاز این امر را در سده پنجم می‌داند و برای استناد به این مهم به کتاب البرهان که در مصر دیده است اشاره می‌کند (زرقانی، ۱۴۰۹، ص. ۳۵)، اما در نقد این ادعا باید اذعان داشت که این کتاب در اصل ۳ جلد بوده که فعلاً ۱۵ جلد از آن چاپ شده و در این میان نامی از کتاب علوم قرآن در میان نیست. وی در تعریف این اصطلاح می‌نویسد: «علوم قرآن مباحثی است که از جهت نزول قرآن، ترتیب، جمع، کتابت، تفسیر، اعجاز، ناسخ و منسوخ و دفع شبهات از قرآن و نظائر اینها متعلق به قرآن کریم است.» (همان، ص. ۲۸).

ابوالقاسم خویی در کتاب الیقان فی تفسیر القرآن، علوم قرآن را مقدمه تفسیر قرآن دانسته و می‌گوید:

«من این مباحث را یک سلسله مباحث و مقدمات علمی و کلی در مدخل تفسیر قرآن قرار میدهم لذا در این میان علمی چون اعجاز قرآن و مصونیت آن، نسخ و تناقض و... وجود دارد.» (خویی، ۱۳۸۵، ص. ۲۲).

عده‌ای دیگر معتقدند اصطلاح علوم قرآن در سده دوم پدید آمده ولی چون عنوانی رایج و خاص نبوده می‌توان آن را مربوط به سده چهارم دانست (طالقانی، ۱۳۶۱، ص. ۸۳). در خصوص نام‌گذاری این علم باید نوشت که اطلاق علوم قرآن بر مجموعه‌ای از دانش‌ها نخست به عنوان وصفی بوده ولی امروزه اطلاق این علم به صورت علم بالغلبه رواج یافته است (صالحی کرمانی، ۱۳۶۹، ص. ۸۳). صالحی کرمانی، نویسنده معاصر موضوع را به منزله روح علم می‌داند که در تمام ابواب و فصول آن جریان دارد لذا بر اساس موضوعات اختصاصی علوم قرآن تعریف می‌کند و در تعریف آن به علمی چون نحو و بیان و معانی و نظائر آن اشاره می‌کند (همان، ص. ۱۸). و اما آنچه مورد تأکید نویسندگان علوم قرآنی بوده به این معناست که علوم قرآن، مجموعه علمی است که مقدمه فهم و تفسیر قرآن واقع می‌شوند؛ در این راستا آشنایی با رده بندی علوم قرآن (اعم از للقرآن و فی القرآن) فهم این دانش را آشکارتر می‌کند. (فتح‌اللهی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰).

از مهمترین کتاب‌ها در این زمینه، البرهان فی علوم القرآن اثر بدر الدین زرکشی (۷۹۴ ق.م) و الاتقان فی علوم القرآن اثر جلال الدین سیوطی (۹۱۱ ق.م) است. زرکشی در البرهان به معرفی چهل و هفت نوع و همچنین سیوطی در الاتقان به بررسی ۸۰ نوع علوم قرآن پرداخته‌اند ولی هیچ یک تعریف مشخصی از علوم قرآن ارائه نکرده‌اند. گویا اصطلاح علوم قرآن در نزد آنها معلوم و بی‌نیاز از



تعریف بوده است. لذا بطور کلی می‌توان گفت بخش عظیمی از نگاه‌ها و آثاری که در آستانه قرآن سامان یافته است در فرهنگ اسلامی به علوم قرآن مشهورند. (فتح‌اللهی، ۱۳۸۸، ص. ۳۹). در این راستا دانشمندان شیعی متقدم نیز کتاب مستقلی تحت عنوان علوم قرآن ثبت نکرده‌اند و غالباً مباحث علوم قرآن را در مقدمه تفاسیر خود نگاهشته‌اند و یا اینکه این مباحث را در متون مربوط به تفسیر آیات جای داده‌اند که از جمله می‌توان به تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی و الصافی از فیض کاشانی اشاره کرد.

هر یک از نویسندگان علوم قرآن، ملاک خاصی را برای تقسیم‌بندی و رده‌بندی علوم قرآن در نظر گرفته‌اند. و به همین دلیل نوع تقسیم‌بندی آنها از علوم قرآن متفاوت است. برخی علوم قرآن را با ملاک موضوع و برخی با ملاک روش و برخی دیگر با ملاک برون قرآنی یا درون قرآنی بودن مباحث، تقسیم‌بندی می‌کنند. همچنین گروهی از اندیشمندان، علوم قرآن را با ملاک کارآمدی و مدخلیت در تفسیر قرآن رد‌بندی کرده‌اند. (همان، ص. ۹۷) به عنوان مثال قطب‌الدین شیرازی (۷۱۶ ق.م) علوم دینی را به دو بخش عقلی و نقلی تقسیم کرده و سپس «علوم قرآن» را در رده علوم نقلی تحت عنوان «علم کتاب» آورده و برای آن دوازده علم را به شرح زیر می‌شمارد:

علم قرائت؛ علم وقوف؛ علم لغات قرآت؛ علم اعراب؛ علم اسباب نزول؛ علم ناسخ و منسوخ؛ علم تأویل؛ علم قصص؛ علم استنباط معانی قرآن؛ علم ارشاد، نصیحت، مواعظ و امثل؛ علم معانی؛ علم بیان. (شیرازی، ۱۳۲۰، صص. ۸۷-۹۱).

اما باید اذعان داشت بر اساس تعریف اکثر علما، این علم را با معیار درون قرآنی و برون قرآنی مورد پژوهش قرار داده‌اند، لذا تقسیم‌بندی مشهور و متواتر علمای علوم قرآنی براساس فوق است که به بررسی این مورد خواهیم پرداخت.

۳- رده‌بندی علوم قرآن

۳-۱- علوم للقرآن:

ترکیب اضافی علوم للقرآن در این مفهوم به معنای علمی است که مقدمه‌ای برای فهم قرآن کریم است به این معنا که برای درک صحیح قرآن نیازمند شناخت این علوم هستیم در غیر این صورت در نحوه برداشت و فهم ما از قرآن کریم تأثیر مستقیمی دارد به بیان دیگر، این علوم نیز نقش ابزاری دارند (شاکر، ۱۳۸۶، ص. ۹). به عبارت دیگر، علوم قرآنی یک علم نیست، بلکه مجموعه‌ای از علوم هستند که از جهت موضوع که قرآن باشد با هم مشترک‌اند، اما در حیثیت و بعدی که از قرآن لحاظ می‌کنند با یکدیگر تفاوت دارند (معرفت، ۱۳۹۰، صص. ۲-۳). این نکته قابل توجه است که علمی مانند نحو و بلاغت در علوم قرآنی داخل نیستند؛ زیرا موضوع علم نحو به عنوان مثال، کلمه و کلام به طور مطلق است، نه کلمه و کلامی که در قرآن به کار رفته است. اما علمی که از آن دو (نحو و بلاغت) برگرفته می‌شود، مانند: اعراب القرآن، بدیع القرآن و تشبیهات القرآن از علوم قرآنی محسوب می‌شوند؛ زیرا به طور مستقیم به بحث درباره قرآن می‌پردازند. دانش صرف و نحو نیز

از جمله علمی است که به عنوان مقدمه برای فهم متن قرآن کریم مدنظر قرار گرفته شده است که شناخت چگونگی قرار گرفتن جملات قرآن و اعراب و هر آنچه پیرامون این علم وجود دارد را شامل می‌شود که پیرامون مسائل و شئون مختلف قرآن بحث می‌کند. (همان، ص. ۴).
لذا علوم قرآنی در این اصطلاح به مجموعه دانش‌هایی اطلاق می‌شود که فراگیری آن‌ها به عنوان مقدمه فهم قرآن لازم است. به این معنا که علل، شرایط و موقعیت‌هایی که در آن‌ها آیات و سوره قرآن نازل شده است، یکی از شاخه‌های علوم قرآنی به شمار می‌آید، چرا که بدون آن‌ها فهم درست بسیاری از آیات قرآن ممکن نیست، باتوجه به مقدمه فوق علوم ابزاری ذیل، مقدمه فهم قرآن کریم قرار خواهند گرفت:

۳-۱-۱- علوم بلاغی و نحوی:

واژه بلاغت در لغت، مصدر بلغ، به معنای رسیدن است و بلاغت در سخن نیز به معنای رسیدن به هدف مورد نظر در گفتار است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۳۰۱). این دانش از دانش‌های کاربردی به شمار می‌رود که هدف از آن مزیت بخشیدن به سخن یا مصونیت آن از اشتباهات غیر دستوری است که گاه به شیوه بیان معانی و گاه به شیوه هماهنگی سخن با موقعیت بیان آن و گاه به شیوه گزینش کلمات مربوط می‌شود. این سه شاخه به ترتیب در دانش‌های بیان، معانی و بدیع بحث می‌شوند (تفتازانی، ۱۳۷۰، ص. ۲۵). قرآن کریم نیز در این راستا خود را «کتاب مبین»، معرفی می‌کند: «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * أَنَا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف/ ۲). منظور از این تعبیر، اشاره به ویژگی فصاحت و بلاغت در قرآن دانسته شده است (سعدی، بی‌تا، ص. ۷۴۴).
تعبیر «بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» در سوره مبارکه شعراء نیز به فصاحت و اعجاز بیانی قرآن تفسیر شده است. (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص. ۶۳۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۳۹۴). برای اساس علوم بلاغی لازمه ورود به به فهم قرآن کریم است چرا که این مهم دربرگیرنده علمی است که مربوط به جنبه‌های زیبایی‌شناسی قرآن از باب استعاره، تشبیه، کنایه، مجاز، اطناب و ابجاز، تمثیل است.

۳-۱-۲- علوم نگارشی و کتابت:

لفظ این علم کاملاً گویای چگونگی این علم است لذا دربرگیرنده علوم دیگری مانند: رسم الخط قرآن (انواع رسم الخط: مکی/ کوفی و...) پس از بحث نوع رسم الخط، مبحث اختلاف مصاحف قرآن و چگونگی جمع آن در ادوار گوناگون چون عثمان و پیامبر اکرم (ص) و... است.

۳-۱-۳- علوم قراءات:

از نظر تاریخی اولین علم از علوم قرآن، علم قرائت و سپس علم تجوید است. و تاریخ این دو علم، از لحظه‌ای آغاز می‌شود که نبی اکرم (ص) به تلاوت و قرائت قرآن پرداخته است. و همین قرائت‌ها بعداً نقل و روایت شده است و همین نقل هاست که در دوره دوم به صورت مدون در آمده و علم قرائت و تجوید را به صورت کتبی بنیان‌گذاری کرده است (فتح‌اللهی، ۱۳۸۸، ص. ۶۹) ابن خلدون در این مورد چنین می‌گوید:

«و قاریان دیرزمانی این قرائت‌ها و روایت آن‌ها را سینه به سینه نقل می‌کردند تا هنگامی که علوم،



نوشته و مدون شد، آن وقت این قسمت را هم در زمره علوم تدوین کردند و صناعت مخصوص و دانش مستقلی به شمار رفت.» (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ص. ۸۸۸).

۳-۱-۴- علم واژه‌شناسی و مفردات قرآن:

راغب اصفهانی نخستین کسی است که اصطلاح «علم مفردات» را به عنوان شاخه‌ای از «علوم لفظی قرآن» به کار برده و تألیف خود را در زمینه شرح و «تفسیر واژه های قرآنی» مفردات نامیده است. او معتقد است:

«نخستین دانش از میان علوم قرآنی که آموزش آن ضروری است علوم لفظی قرآن است. و در میان این علوم نیز پژوهش در «تک واژه ها= الالفاظ المفردة» بر بقیه مقدم است، پس فرا گرفتن معانی مفردات قرآن با توجه به نقش اصلی و یاری رساننده‌ای که برای طالبان آن در فهم معانی دارد، دارای اهمیت و نقشی همانند نقش خشت و آجر در ساختمان است. کار آیی و فواید علم مفردات به علوم قرآنی منحصر نبوده بلکه در همه شاخه‌های علوم شرعی این علم کاربرد دارد. واژه‌های قرآن چکیده سخن عرب و عمده و ارزشمندترین آن است. اعتماد فقیهان در احکام و حکما در حکمت‌هایشان بر آن است. چنان که شاعران و نثر نویسندگان بزرگ نیز در کار خود از آن الهام می‌گیرند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵).

به عبارت دیگر، مفردات قرآن و غریب القرآن، به بررسی واژه‌های غریب، با توجه به قرار گرفتن در هر برهه که برای ادوار بعد از آن نامانوس و غریب است می‌پردازد، معانی القرآن، در برگزیده واژه‌هایی است که با استفاده از آیات و... نیاز به تبیین دارد، بر این اساس علم وجوه و نظائر قرآن کریم (با تکیه بر معنای واژه‌ها) به بررسی واژه‌هایی که گاه چند معنا دارد و با یک لفظ بکار رفته است در این دایره قرار می‌گیرد.

۳-۱-۵- علوم تفسیر و مقدمات آن:

در ابتدا باید اشاره داشت آنچه در سده‌های نخستین مصطلح بوده متفاوت است چرا که علوم قرآن در گذشته بر مباحث تفسیری قرآن نیز اطلاق می‌شد بدین ترتیب در واقع علم تفسیر، علمی از علوم قرآن است (فتح‌اللهی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷). لذا هر آنچه به فهم یک مفسر کمک کرده و پیش‌نیاز وی برای ورود به علم تفسیر است موضوع این علم است: شروط و آداب تفسیر و مفسر، تاریخ تفسیر، مباحث حول محور روش‌شناسی فهم قرآن چون: نشانه‌شناسی، معناشناسی، هرمنوتیک و... از موضوعات مطرح است.

تفسیر در آغاز کار، تنها به صورت نقل شفاهی بود. در تمام عهد رسالت و دوره صحابه و عصر تابعان نخستین، وضع تفسیر به همین منوال بود تا اینکه در نیمه‌های قرن دوم همزمان با تدوین حدیث، به مرور زمان در دفاتر و لوح‌هایی ثبت و ضبط شد. قرن دوم، عصر تحول و دگرگونی تفسیر بود؛ در این عصر، تفسیر از مرحله نقل سینه به سینه گذشت و وارد مرحله نگارش و تدوین شد (فتح‌اللهی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۶).

علامه طباطبایی (۱۳۷۶) در خصوص آغاز تفسیر قرآن چنین می‌نویسد:

«تفسیر و بیان الفاظ و عبارات قرآن مجید از عصر نزول، شروع شده و شخص پیغمبر اکرم (ص) به تعلیم قرآن و بیان معانی و مقاصد آیات کریمه آن پرداخته است.» ترجمه قرآن، این علم از آنجا مورد بحث است که نوع ترجمه در نحوه فهم از متن تأثیر بسزایی دارد و مورد آخر مربوط به احکام و قصص قرآن است.» (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص. ۴۳).

بنابراین می‌توان گفت: در دوره اول که حدوداً قرن اول را شامل می‌شود، بناء اکثریت و روش رسمی در نشر علوم قرآن و معرف آن، مخصوصاً در نیمه اول آن، نقل و بیان بوده است. و علم قرائت، تجوید، تفسیر قرآن و رسم الخط مصحف در این دوره شکل گرفته‌اند.

۳-۱-۶- ناسخ و منسوخ:

باتوجه به تعریف این علم قرآنی این علم به معنای از بین رفتن یک حکم و تشریح حکم جدید و تأمل در شبهات مطرح در برخی موضوعات علوم از علوم مستقل در این حیطه به‌شمار می‌آید.

۳-۱-۷- اعجاز قرآن:

بررسی خارق عادت بودن قرآن کریم و جنبه‌های گوناگون اعجاز چون: فواصل آیات، فواتح و خواتم سوره، تناسب سوره و آیات نیز از موضوعات مطرح در این قسمت است.

۳-۱-۸- تحریف ناپذیری قرآن:

تحریف در لغت از ریشه «حرف» به معنای کناره، جانب و اطراف یک چیز گرفته شده و تحریف چیزی، کنار زدن و کج کردن آن از جایگاه اصلی خود و به سوی دیگر بردن است؛ تحریف کتاب آسمانی، بدین معناست که این تغییرات به صورتی انجام پذیرد که دیگر کلام الهی، به درستی شناخته نشود و از دسترس بشر خارج شود و یا چیزی به عنوان کلام خدا شناخته شود که سخن او نیست (هاشمی نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۳۹). در این راستا مصونیت قرآن از تحریف، به معنای ماندگاری متن اصلی قرآن و آشنایی با آن در میان مردم است؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه مسلمانان و دیگر جوامع بشری از شناخت و دسترسی به متن اصلی آن محروم نشده و کلام خدا را از غیر آن با وضوح و آشنایی کامل تمیز خواهند داد بر این اساس، این دانش به معنای اثبات اصالت قرآن موجود در تمام ادوار است.

۳-۱-۹- محکم و متشابه:

قرآن کریم کلمات الهی است که بر نبی اکرم (ص) از طریق وحی برای فهم عموم مردم نازل شده و تعلیم آن عمومی است، اما عمومی بودن قرآن بدین معنا نیست که همه افراد به طور یکسان از آن بهره‌مند شوند، بلکه معارف آن دارای مراتب و درجاتی است که هر کس به میزان استعداد و ظرفیت خود از آن بهره می‌گیرد. قرآن کریم برای القای معانی عالی، روشی در پیش گرفته که عوام و خواص هر دو گروه از آن بهره بگیرند، القاء معانی و فهمانیدن آن به انسان جز از راه معلومات ذهنی وی میسر نیست. به همین علت قرآن مجید با آن معانی و مفاهیم عالی در قالب الفاظ و کلمات متداول در بین عرب‌ها که برای رفع احتیاجات مادی آنها وضع شده بود، جهت هدایت و سعادت ابناء بشر عرضه شد (میرشمسی، ۱۳۸۲، ص. ۷۲)؛ بر این اساس بعضی از این عبارات صریح و روشن،



مقصود و مراد از آن دانسته می‌شوند و بعضی این طور نیست و باید چیزی که معنای آن را روشن کند، بدان منظم شود و چه بسا با تدبیر و تأمل معانی و مقاصد آن دانسته شود، این عنوان ناظر به بررسی اتقان و احکام آیات و وجود این ویژگی در تمامی آیات قرآن کریم است.

۳-۱-۱۰- علوم و مطالعات خاورشناسان:

میراث فکری مشرق زمین آمیزه‌ای از تاریخ، زبان، فنون، علوم و سنت‌هایی است که به مردمان این سرزمین‌ها تعلق دارد (علی الصغیر، ۱۴۲۰ق، ص. ۱۱). با توجه به این تعریف، مستشرق عبارت از کسی است که به مطالعه میراث فرهنگی مشرق زمین پرداخته و آنچه متعلق به تاریخ، زبان‌ها، آداب، فنون، علوم و سنت‌های مردم این نواحی است، در حوزه بررسی‌های او قرار می‌گیرد (همان). این علم از این منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد که در سده‌های اخیر افراد بسیاری از پژوهشگران غربی به تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی دست یازیده و نظریات گوناگونی پیرامون این مهم ارائه داشته‌اند لذا طرح بحث و واکاوی نظریات آنان در فهم قرآن جایگاه مبرهنی دارد. از آنجایی که فهم هر یک از علوم مذکور تأثیر و نقش مستقلی در جهت فهم قرآن کریم داشته است، این علوم مقدمه و ابزار ورود به فهم قرآن کریم بوده است. به گونه‌ای در نظر نگرفتن و عدم اطلاع از آن‌ها موجب اختلال در مفهوم و مقصود الهی می‌شود. لذا علمی که جنبه ابزاری داشته و لازمه ورود به قرآن کریم است را علوم للقرآن می‌خوانند چنان‌که از نام این دانش برمی‌آید به معنای علمی است که خارج از قرآن بوده و در راستای فهم آن قرار می‌گیرد.

۳-۲- علوم فی القرآن:

علوم قرآنی در این قسمت با توجه به نوع ترکیب وصفی آن به بررسی مستقیم مسائل قرآن کریم متمرکز است لذا در این بخش برخلاف بخش گذشته به بررسی موضوعات مطرح در قرآن پرداخته و علمی که در گذشته بدان پرداخته شد و مقدمه‌ای برای فهم قرآن بود اینک برای فهم خود متن به کار رفته است، به بیان دیگر این علوم نیز عنوان اصلی گرفته و علوم دیگر علمی در جهت به کار گرفتن برای متن اصلی است، آیت الله معرفت این نوع از علوم را کاملاً مرتبط با مطالب درون قرآن که با محتوای آن سر و کار داشته می‌نامد و آن را نوعی از تفسیر موضوعی برمی‌شمارد. (معرفت، ۱۳۹۰، ص. ۴) علوم و دانش‌هایی که در قرآن وجود دارد و در جهت استفاده از متن بکار گرفته می‌شود به اصطلاح علوم فی القرآن گفته می‌شود. که امروزه اصطلاح معارف قرآن به صورت رایج‌تری در این موضوع به کار می‌رود.

۳-۲-۱- خدا شناسی:

این مهم به شناخت صفات الهی چون افعال الهی (ذاتی و غیر ذاتی) و مباحث توحیدی و اعتقادی در جهت شناخت الله مورد بحث قرار داده است.

۳-۲-۲- جهان شناسی:

پس از بحث خداشناسی به مرحله تجلی الهی در دنیا پرداخته و در ابتدا به مبحث آسمان، ستارگان،

ماه، خورشید و مسائل جوی چون باران، رعد و برق و... پرداخته و جایگاه و حکمت این مفاهیم را در قرآن کریم بررسی کرده است.

۳-۲-۳- انسان‌شناسی:

مباحث انسان‌شناسی نیز از مسائل مربوط به خلق و تجلی الهی اما در قالب آفرینش انسان، روح، شرافت و کمالات انسان، آگاهی، قدرت عمل، اختیار و نیز ابعاد گوناگون وجود انسان، سنت‌های الهی، مسئله معاد و هر آنچه به هدایت و رسیدن به هدف الهی این مخلوق مرتبط می‌شود را دربردارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰-۲۵).

۳-۲-۴- قرآن‌شناسی:

از آنجایی که هدف خلقت رسیدن انسان به اهداف معنوی و الهی است برای رسیدن به این مهم کتاب جامعی نیاز است، براین اساس در بخش حاضر به بیان ویژگی‌های قرآن و مباحث درونی قرآن پرداخته می‌شود.

۳-۲-۵- راه‌شناسی و وحی‌بیانی:

پس از ارائه کتاب جامع (قرآن) انسان نیازمند راهنما برای تعیین مسیر و مقصد الهی است (نکته قابل تأمل در این راستا توجه در آزاد بودن انسان در انتخاب هدایت و یا ضلالت است) و معصوم (ع) مسئولیت راهنمایی و هدایت انسان را دارد چرا که قرآن به تمامی مسائل مرتبط با انسان پرداخته و به عبارت قرآنی «تبیانا لکل شیء» است، اما در برخی امور چون احکام (نماز، حج و...) به اجمال‌گویی پرداخته است لذا به تبیین نیاز دارد و معصوم (ع) اعم از: پیامبران (ص) و امام (ع) از مصادیق وحی‌بیانی و قرآن کریم وحی کلامی مُنزَل از جانب خداست بر این اساس معصومین (ع) مسئولیت تبیین آیات و احکام الهی و وحی‌بیانی را برعهده دارند که ایشان ارائه‌دهندگان قرآن هستند.

۳-۲-۶- اخلاق (خودسازی):

این مهم نیز از اهداف الهی برای رسیدن به سعادت و کمال انسان است لذا تزکیه نفس از مباحث مهم در علوم معارف است لذا اخلاق و انسان‌سازی از مباحث مربوط به آن است.

۳-۲-۷- احکام فردی و اجتماعی:

از آنجایی که انسان و جامعه موضوع قرآن کریم هستند نظام قرآن دربرگیرنده چارچوبی برای هدایت وی در دو بعد احکام فردی و اجتماعی است لذا برای وصول به این مهم برنامه‌های عبادی ویژه‌ای (چون: نماز، حج، روزه و...) برای آن در نظر گرفته است. براین اساس راهکار و احکام فردی و اجتماعی چون احکام اجتماعی، اقتصادی، مدنی و قضایی برای این مهم ارائه شده است. با توجه به تعاریف فوق، علوم فی القرآن در برگیرنده علوم درون قرآنی است به این معنا که این مهم، از متن قرآن قابل برداشت و تفسیر بوده است و تأمل در موضوع اصلی قرآن (انسان و اوامر مرتبط به او) این علم ناظر بدان است که از علوم استخراج شده از خود متن است.



۴- نتیجه گیری

علوم قرآن مجموعه‌ای از گزاره‌ها و مفاهیم هستند که عامل وحدت بخشی، آنها را به یکدیگر مرتبط کرده و به صورت مجموعه واحدی درآورده است که این عامل‌ها موضوعی واحد هستند، به عبارت روشن‌تر موضوع در همه علوم قرآن، خود قرآن کریم است که موجب اتحاد و یگانگی مجموعه گزاره‌ها و مفاهیم و به تبع منجر به پیدایش رشته‌های مختلف علوم قرآن شده است. لذا علوم قرآن به معنای مجموعه علمی است که منجر به شناخت موضوع (قرآن کریم) می‌شود. بر این اساس محققان در طول سال‌ها با توجه به معیارهای گوناگون، به تقسیم‌بندی این مهم پرداخته‌اند، اما تقسیم‌بندی نهایی و رایج در میان آنان علوم للقرآن و فی القرآن است که به ترتیب اولی ناظر به علوم بیرونی و مورد دوم ناظر به مسائل درونی و یا همان تفسیر موضوعی است. علوم للقرآن به مجموعه علمی که به شناخت بیرونی قرآن کریم و علوم ناظر بدان برای رسیدن به اصل محتوای قرآنی می‌پردازد و جنبه ابزاری دارد تا در راستای علوم قرآنی و یا معارف قرآنی قرار گیرد می‌پردازد؛ لذا این مهم عبارت است از: علوم بلاغی و نحوی، علوم نگارشی و کتابت، علم واژه‌شناسی قرآن، اعجاز قرآن کریم، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، تحریف ناپذیری قرآن کریم، فضایل القرآن، علوم بلاغی و نحوی، علوم قرائات، علم تفسیر. معارف قرآن و یا علوم قرآنی دربرگیرنده علمی است که جنبه درونی و تفسیری داشته، لذا در این بخش مقدمات جهت وصول به محتوا که در للقرآن انجام گرفت در راستای کارآیی آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و علوم ناظر بدان عبارتند از: خدا شناسی، جهان شناسی، احکام فردی و اجتماعی، راه شناسی و وحی بیانی، قرآن شناسی، اخلاق.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۷). ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، قم: آوای قرآن.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۶). مقدمه العبر و دیوان المتبداء و الخبر، محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۱۴). معجم مقایس اللغه. قم: الحوزه العلمیه بقم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۰). مختصر المعانی، قم: دارالفکر.
- خرقانی، حسن. (۱۳۷۸). مقدمه ای بر علوم قرآنی. پژوهش‌های قرآنی. شماره ۱۷-۱۸. صص ۳۰۰-۳۱۷.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). البیان فی التفسیر القرآن، نجف: مطبعه الاداب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.

- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۰۹). مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار کتب العلمیه.
- زرکشی، بدرالدین محمد. البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه.
- سعدی، عبدالرحمان، تیسیر الکریم الرحمان فی تفسیر الکلام المنان. بیروت: بی نا.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان (۱۳۶۰). الاتقان فی العلوم القرآن. قاهره: مطبع حجازی.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۶). آشنایی با علوم قرآنی، بی جا، بی نا.
- شیرازی، قطب الدین (۱۳۲۰). دره التاج لغره الدباج، سید محمد شکوه، تهران: چاپخانه مجلس.
- صالحی کرمانی، محمد رضا (۱۳۶۹). در آمدی بر علوم قرآنی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- صبحی، صالح (۱۹۷۷). مباحث فی علوم قرآن. بیروت: دار العلم الملایین.
- طالقانی، سید عبدالوهاب (۱۳۶۱). علوم قرآن و فهرست منابع، قم: دار القرآن «کریم آیت الله گلپایگانی».
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۶). قرآن در اسلام، ترجمه و تصحیح: محمد باقر بهبودی (تهران: دارالکتب الاسلامیه).
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مترجمان.. تهران: انتشارات فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). تفسیر جوامع الجامع. قم: مرکز مدیریت.
- طوسی، محمد بن حسن «التبیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار احیاء التراث العربی. بی نا.
- علی الصغیر، محمد حسین (۱۴۲۰). المستشرقون و الدراسات القرآنیه، بیروت، دار المورخ العربی.
- فاکر میبدی، محمد (۱۳۸۴). علوم قرآنی از دیدگاه آیت الله معرفت. فصلنامه پیام جاویدان. شماره ششم، صص ۲۱-۳۴.
- فتح الهی، ابراهیم (۱۳۸۶)، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران: انتشارات نگاهی دیگر.
- فتح الهی، ابراهیم؛ (۱۳۸۸)، متدولوژی علوم قرآنی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- کمالی دزفولی، سید علی (۱۳۷۰). شناخت قرآن، تهران: انتشارات اسوه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸). معارف قرآن. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معرفت، محمد هادی (۱۳۹۰). علوم قرآنی، تهران: انتشارات سمت.
- میرشمسی، صدیقه (۱۳۸۲). بررسی محکم و مشابه در قرآن، پژوهش دینی، شماره چهارم، صص ۷۱-۹۴.
- نصیری، علی (۱۳۸۵). فلسفه علوم قرآنی. مجله قیاسات. شماره ۳۹-۴۰، صص ۲۲۱-۲۴۸.
- هاشمی نژاد، اکرم السادات (۱۳۹۰). دلایل تحریف ناپذیری قرآن کریم، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره سی و نهم، صص ۱۰۹-۱۱۶.